



Shahid Rajaei Teacher Training University- Iran
Ontological Researches
Semi-Annual Scientific Journal
ISSN (print): 2345-3761 (online): 2676-4490
Type: Research

Vol.12, No. 23
Spring & Summer 2023

Journal Homepage: www.orj.sru.ac.ir

Femininity Principle in the Ontology of Jewish Mysticism according to the Zohar

Shima Fotourchian¹
Abolfazl Mahmoodi²
Masood Ahmadi Afzadi³
Mohsen Fahim⁴

¹. PhD Student in Religions and Comparative Mysticism, Faculty of Law, Theology and Islamic Studies, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran
fotourchian@gmail.com

². Profesor of Religions and Comparative Mysticism, Faculty of Law, Theology and Political Science, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran,
Corresponding Author
a-mahmoudi@srbiau.ac.ir

³. Assistant Professor of Religions and Comparative Mysticism, Faculty of Theology and Islamic Studies, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
masoodahmadiafzadi@gmail.com

⁴. Assistant Professor of Theology and Islamic Studies, Faculty of Law, Theology and Islamic Studies, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran
fahimmohsen54@gmail.com

Received: 10/10/2022

Reviewed: 10/11/2022

Revised: 22/04/2023

Accepted: 24/04/2023

Abstract

Issue of the Femininity principle and its place in different religions has always been considered, but in recent decades due to feminist movements, this issue has also reached to traditional Jewish societies. In all religions, the female element has been considered in creation, but we try to take a descriptive-analytical approach, relying on the book of Zohar, to the Femininity principle in Jewish mysticism. This issue, in the doctrine of Kabbalah and in the book of Zohar, which is the most important mystical book of the Kabbalism more extensively expressed and the Femininity principle with “Bina” and “Malchut” (Shekhinah) Sefirot, in particular way has been expressed. Bina and Shekhinah Sefirot are two feminine elements that, by their feminine function in the world, have caused the stream existence in the Universe, and the lower world has been created due to the names and attributes that heavenly Supernal Mother took from Ein- Sof. In the world, union of feminine and masculine elements causes movement and harmony between the components of the Universe. Shekhinah, who is the presence of God and His feminine manifestation, is separated from Ein - Sof due to Adam's sin and exulsion to the material world. This issue is so important in Kabbalian mysticism and Kabbalian gnostic recommends the Jews to restore the unity of “Ein-Sof” and “Shekhinah” by performing religions duties and practicing the Torah.

Keywords: Femininity principle, Judaism, Zohar, Bina, Shekhinah.

Problem Statement

The present article describes position of the Femininity principle in the ontology of Jewish mysticism. The subject of this article is according to the Zohar, cosmic function of the Femininity principle in process of creation is more colorful than the male principle; Because Bina, as a mother, by union with Hochma, creates Sefirot. Also, Shekhinah, as a daughter, has an essential role in reproduction of the Sefirot and brings their light to material world and creates balance in existence. Does the Femininity principle have an appearance and inside aspect in the ontology of Jewish mysticism and Kabbalah? To what extent can the Jews by performing religious duties, return the Shekhinah to their main homeland, which is Ein- Sof, so that balance restores to the world?

Method

In this article, which is a kind of basic research, the method of library study of main sources including Persian and English scientific books is used. In addition, the approach of this writing is descriptive and analytical.

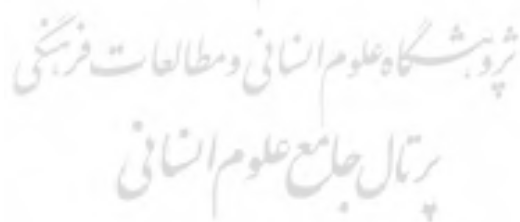
Finding and Results

It seems Bina has two unique features, first is returning of creatures to Ein-Sof is done by the Bina, and second is Bina does not accept any restrictions and only

receives the light of Hochma at the request of Ein-Sof to create the Universe. The second Femininity principle is Malchut or Shekhinah, which has two aspects. When we discuss divine aspect of sefirot, we know it as Malchut, but when we talk about the manifestation and presence of God in the material world, we express it with Shekhinah. The Malchut has several characteristics, including that Malchut is allowed to generation by receives light of Hochma from Bina. Another is that Malchut is the only sefirah who has will to receive light of pleasure and love and it has a tendency towards plurality, and for this reason, Malchut has a limit and a determination. Now, if we discuss the external aspect of Malchut, we should mention the Shekhinah, which is an active female element in most of the Jewish mystical texts and has the task of receiving divine grace from the upper world and giving it to the lower world.

References

- Epstein, I, *Judaism-Historical Study*, Behzad Saleki, Tehran, Research Institute of Iranian Wisdom and Philosophy, (2014), Persian
- Fortune, D, *The Mystical Qabalah*, Second edition, London, Weiser Books, (2000)
- Giller, P, *Reading the Zohar*, The Sacrad Text of the Kabbalah, London, Oxford scholarship, (2011)
- Laitman, M, *Basic Concepts in Kabbalah*, Israel, Lightman Kabbalah, (2006)
- Manhar, N, *The sepher ha Zohar or the book of light*, Ohio, Pinnacle Press, (2017)





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Shahid Rajaei Teacher Training University- Iran
 Ontological Researches
 semi-annual scientific journal
 ISSN (print): 2345-3761 (online): 2676-4490
 Type: Research

Vol.12, No. 23
 Spring & Summer 2023

پژوهش‌های هستی‌شناختی
 دو فصلنامه علمی
 نوع مقاله: پژوهشی
 سال دوازدهم، شماره ۲۳
 بهار و تابستان ۱۴۰۲
 صفحات ۲۷-۵۶

اصل زنانگی در هستی‌شناسی عرفان یهودی از نگاه زهر

شیما فتورچیان^۱
 ابوالفضل محمودی^۲
 مسعود احمدی افزادی^۳
 محسن فهیم^۴

چکیده

۱. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد اصفهان، ایران
 fotourchian@gmail.com
۲. استاد گروه ادیان و عرفان دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، نویسنده مسئول
 a-mahmoudi@srbiau.ac.ir
۳. استادیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران- شمال، تهران، ایران
 masoodahmadiafzadi@gmail.com
۴. استادیار گروه الهیات، دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
 fahimmohsen54@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۸

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۴

مسئله اصل‌زنانگی و جایگاه آن در ادیان مختلف همواره مورد توجه بوده‌است. اما در چند دهه اخیر بواسطه جنبش‌های فمینیستی این مسئله، به جوامع شدیداً سنت‌باوری مانند جوامع یهودی هم رسیده‌است. موضوع این مقاله، اصل انوئیت و نقش عنصر زنانه در عرفان یهود است که با رویکرد توصیفی تحلیلی و با تکیه بر کتاب زهر به آن پرداخته شده‌است. این مسئله در مکتب قباله و در کتاب زهر که مهم‌ترین کتاب عرفانی قبالاییان است؛ گسترده‌تر مطرح می‌شود و اصل زنانگی را بطور خاص با دو سفیرای «بینا» و «ملخوت» (شخینا) بیان می‌کند. سفیرابانوان بینا و شخینا، دو عنصر زنانه‌ای هستند که با کارکرد زنانه خود در عالم باعث سربان وجود در عالم هستی شده‌اند و عالم مادون به سبب اسما و صفاتی که سفیرامادر علوی؛ از آن‌سوف گرفته، ایجاد شده‌است. در عالم، اتحاد و زوجیت عناصر زنانه و مردانه سبب حرکت و هماهنگی بین اجزای هستی می‌شود. شخینا نیز که حضور خداوند و تجلی مونث اوست بواسطه گناه آدم از آن‌سوف جدا شده و به عالم ماده تبعید شده‌است. این مسئله در قباله آن‌چنان مهم است که عارف قبالایی یهودیان را سفارش می‌کند؛ با عمل به تورات و میسواها بار دیگر این وحدت و یگانگی «آن‌سوف» و «شخینا» را بازگردانند.

کلمات کلیدی: اصل زنانگی، یهودیت، زهر، بینا، شخینا.

مقدمه

در پژوهش‌های اخیر در حیطه عرفان ادیان، درباره جایگاه زن در ادیان مختلف؛ از جمله یهود بحث شده‌است. موضوع نوشتار حاضر نه جایگاه اجتماعی و زمینی زن، بلکه جایگاه عنصر زنانه در هستی‌شناسی عرفانی یهودی است. سیر تحولی که در اندیشه عرفانی یهودی در طی قرون اولیه ظهور مسیح ایجاد شده‌است. مبین این مطلب است که عرفان یهودی در ابتدا تحت تأثیر اندیشه گنوسی و فرهنگ هلنی قرار گرفته‌است؛ و این تأثیر در خدای مونث‌گون سوفیا نمود می‌یابد. در اندیشه گنوسی خدای مادر و یا عنصر زنانه‌ای به نام سوفیا مطرح می‌شود. سوفیا تجلی شکوه خداوند یا روح القدس و مرآت پاک خداوند است که مادر خدای صانع یا دمیورژ است و به وسیله پسرش عالم محسوسات و عالم مادی را خلق می‌کند. به محضی که این عنصر زنانه یا سوفیا از ملأ‌اعلی یا پلروما به سمت عالم مادون هبوط می‌کند؛ سبب ریختگی در عالم می‌شود و تا زمانی که سوفیا در قوس صعود به ملأ‌اعلی باز نگردد این عدم هماهنگی در عالم وجود خواهد داشت (Macrae, 1967, p. 528). سوفیا ابتدا در کتاب باهیر که اولین کتاب عرفانی یهود است مطرح می‌شود، اما بعداً در کتاب زهر، سوفیا جای خود را به بینا و شخینا می‌دهد. در کتاب زهر که

اصلی‌ترین منبع عرفانی یهودیست، اصل زنانگی را بطور خاص با دو سفیرای «بینا» و «ملخوت» (شخینا) بیان می‌کند. «بینا» سومین سفیراست و در دنیای سفیراها به عنوان ادراک، فهم و عقل؛ بینش و آگاهی مطرح می‌شود. کارکرد بینا بیشتر در ایجاد عالم هستی بوده؛ و به عنوان سفیرای دوم نقش اساسی در نکاح سفیراها با یکدیگر و تجلیات داشته است. این سفیرا به عنوان مادر سفیراها، نطفه همه سفیراها را در خود داراست و به عنوان مادر علوی خوانده می‌شود، اما کارکرد «شخینا» به عنوان دختر یا مادر سفلی همچنان در هستی ادامه دارد. زیرا «شخینا» به عنوان سفیرای دهم و آخر، واسطه میان ان‌سوف و انسان است. همچنین شخینا نیز به عنوان دختر یا ملکه، به معنای حضور خداوند در عالم و باطن جامعه اسرائیل است. اصل زنانه، در عرفان یهود؛ عنصر پذیرنده و قابل، در عالم است که در اتحاد و ازدواج با اصل فاعل مردانه سبب ایجاد هستی و ممکنات شده است. از آنجا که در هستی‌شناسی قبلائی زهری، عنصر زنانه نقش اساسی دارد؛ از این رو مورد بررسی و توجه قرار گرفت.

روش‌شناسی

در نوشتار حاضر که نوعی پژوهش بنیادی است از روش مطالعه کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از منابع اصلی اعم از کتب علمی فارسی و انگلیسی استفاده شده است. از آن جهت که تاکنون این موضوع بدین صورت کمتر مورد توجه قرار گرفته و بیشتر به جنبه‌های اجتماعی، روان‌شناختی و حقوقی نقش زنان پرداخته شده است؛ نوشتار حاضر را می‌توان تا حدودی تازه دانست. در خصوص بسیاری از مفاهیم و مفهوم‌پردازی‌ها کوشش شده است تا با استفاده از معنا‌شناسی و تعاریف اصطلاحی، ابهام‌زدایی شود و توصیف روشنی از مفاهیم خاص زهر و تاویلات آن صورت گیرد. ضمناً یادآور میشود؛ پانویس‌هایی که منبع ندارند، اصطلاحات متداول در زهر هستند و چون در منابع گوناگون آمده است نیاز به ذکر منبع خاصی برای آن دیده نشد.

پیشینه

پیشتر مقالاتی در حوزه زنان در دین و عرفان یهودی، نگاشته شده که متفاوت از نوشتار حاضر است مثل:

- ۱- شخصیت زن در یهود و اسلام با تکیه بر جایگاه عرفانی آن نوشته مریم خوشدل و نگین حاتم‌زاده که در این مقاله به بررسی جایگاه حقوقی زن در عهد عتیق می‌پردازد.
- ۲- بررسی نقش زن در یهودیت نوشته معصومه عزیزی خادم و علی یار حسینی که در این مقاله سعی شده است تا با تکیه بر دو چارچوب نظری فمینیسم و اگزستانسیالیسم در عرصه فلسفه سیاسی، وجوهی را که در گذار جامعه سنتی به جامعه مدرن در اروپای غربی در باب خوانشی جدید از جایگاه زن در کتاب مقدس مسیحیت، با تأکید بر تورات (عهد عتیق) و اناجیل چهارگانه (عهد جدید) مطرح شده است، بررسی کند.

سفیروت و نظریه آفرینش

عارفان یهودی در طول تاریخ، بر آن بوده‌اند که به شهود و معرفت الهی دست یابند. و این طلب کسب معرفت نسبت به الوهیت ابتدا در کتاب باهیر و سپس در کتاب عرفانی زهر نمود یافت. در قبلائی زهری سعی شده‌است تا چگونگی پیوند میان ذات الهی و آفریدگان و یا ذات احدی و جهان کثرات را توضیح دهد. در هستی‌شناسی زهری این مهم با نظریه سفیروت (جمع سفیرا) توضیح داده شده است. سفیراها تشعشع نوری ذات الهی و نمود و تجلی ذات اقدس الهی یا ان‌سوف (Einsof = 615 718) هستند. هر حجاب نوری، که بر ان‌سوف تعینی ایجاد می‌کند؛ یک سفیرا نام دارد. در هستی‌شناسی زهر ده سفیرا به عنوان تجلیات ان‌سوف مطرح می‌شوند که هر کدام از آنها علاوه بر ویژگی غالب خود، دربرگیرنده ویژگی‌های بقیه سفیراها هم هست. این سفیراها وجوه الهی هستند که از طریق آنها، هستی نمود یافته‌است. سفیراهای دهگانه عبارتند از:

- ۱- کتر (Keter = כתר): علیون یا تاج اعلای خداوند.
- ۲- حوخما (Hochma = הוּחַמָּה \ הוֹכְמָה): حکمت و خرد یا ایده‌آلی خداوند که سفیرای پدر و مذكر است.

۳- بینا (בינה = Bina) : بینش و آگاهی خداوند یا عقل، اصل هر چیزی که مدرک است، و سفیرای مادر یا مونث است.

۴- حسد (חסד = Hesed) : عشق یا رحمت خدا یا نمونه همه فضائل؛ و مذکر است.

۵- گوورا (גבורה = Gevura) : قدرت خدا که بصورت قدرت داوری و اصل توزیع پاداش و کیفر؛ و مونث است.

۶- تيفرت (תפארת = Tifferet) : شفقت و ترحم خدا؛ که وظیفه آن میانجی‌گری میان دو سفیرای فوق‌الذکر است، نام تيفرت در معنای زیبایی و جمال هم به کار می‌رود و معمولاً مذکر است.

۷- نصح (נצח = Netzah) : جاودانگی خدا یا پیروزی، اصلی که با ثبات و دوام تطابق می‌یابد و مذکر است.

۸- هود (הוד = Hod) : جلال و عظمت خداوند است؛ اصل همه آنچه که به جاه و جلال موجودات علوی تعلق دارد و مونث است.

۹- یسود (יסוד = Yesod) : قوه بنیان؛ قوه تمام قوای خلاقه خداوند است. بنیان، اصل همه آن چیزی است که بر موجودات سفلی جاریست و پسر و مذکر دانسته می‌شود.

۱۰- ملخوت (מלכות = Malchut) : ملکوت خدا که در زهر به عنوان کینست اسرائیل؛ یعنی صورت مثالی اجتماع بنی اسرائیل یا به عنوان شخینا (שכינה = Shekhinah) و اصل زنانه معرفی می‌شود.

اولین سفیرایی که از آن سوف متجلی می‌شود، کتر است. کتر بیانگر آن جنبه از الوهیت است؛ که روی به سوی تجلی دارد و در عین حال هیچ تفرد و تشخیصی ندارد. تمام تجلیات از این سفیرا؛ که مذکر است جریان می‌یابد. خوخما که دومین سفیراست؛ نقطه اولیه‌ای است که از کتر می‌درخشد. از آنجا که کتر جاودان است و آغازی ندارد، خوخما آغاز نامیده می‌شود. این سفیرا واسطه بین وجود و لاوجود است. از خوخما و سفیرای بینا که رحیم و مادر الهی نامیده می‌شود، مجراهایی جریان می‌یابند که سفیراهای بعدی هستند. در واقع، بینا از خوخما باردار می‌شود و هفت سفیروت پایینی را به دنیا می‌آورد. اگر بخواهیم این رابطه را به درخت تشبیه کنیم، بینا ریشه‌های درختی است که به وسیله خوخما آبیاری

می‌شود و هفت سفیروت بعدی، بصورت شاخه از آن جوانه می‌زنند. بینا، منشأ و منبع تمام مخلوقات شده‌است (شولم، ۲۰۱۸، ص ۱۳).

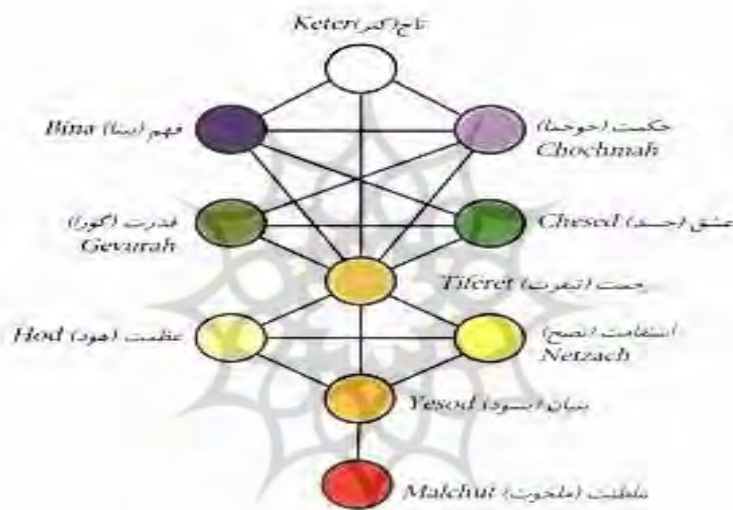


تصویر شماره ۱- تشبیه سفیراها به درخت

چنین می‌توان گفت که سه‌گانه کتر، خوخما و بینا در سراسر عالم جریان دارند و قباله بر حسب رابطه جنسی زن و مرد از آنها نام می‌برد. بنظر می‌رسد که «خوخمای پدر»، عنصر نرینه و اصل فعال در جهان است. زیرا طرح و نقشه عالم را؛ با همه تنوع بی‌کران صور و حرکات آن، در خود نهفته دارد. از طرف دیگر بینا، مادر و اصل منفعل و پذیرنده یا اصل تفرد و افتراق است. آنچه پیش‌تر در خوخما پوشیده و نامتمايز بود؛ در نتیجه اتحاد آن با بینا آشکار و متمایز گردید (Laitman, 2006, p 12). برخی گفته‌اند از اتحاد خوخما و بینا، دعوات (معرفت) پدید می‌آید؛ سفیرای دعوات از حکمت خوخما و ادراک بینا پر شده است، اما غالباً «تیفرت» را فرزند این دو می‌دانند (Manhar, 2017, p 210). طبق این تحلیل، خوخما فعال و مذکر، و بینا منفعل و مونث است که ترکیب آن جهان معلول را ایجاد می‌کند. برخی منابع قبلائی فارغ از فرزند بودن تیفرت، خوخما را صورت و تعیین بخش بینا و تیفرت می‌شمرند (Laitman, 2006, p 12) و در مطالعاتی دیگر، کتر

یا لوگوس آغازین، نیروی (قوه) اندیشه، خوخما عمل اندیشه و بینا موضوع اندیشه در فرایند آفرینش است (Manhar, 2017, p 10).

در برخی متون قبالیی منشأ هرچیزی در عالم، بر طبق یک اصل مردانه یا زنانه بنا شده است. بنابراین در این متون گاهی کتر را مذکر و مثبت می‌دانند و بینا را مونث، منفی، شکل‌پذیر و دریافت‌کننده می‌شمارند (Fuller, 1976, p 13). در کتاب زهر و کتب شولم؛ خوخما را همسر بینا و اصل مردانه است، اما در منابع متعدد قبالیی برخلاف زهر، کتر همسر بینا و اصل فعال و مؤثر مردانه در عالم است.



تصویر شماره ۲- نمودار سفیروت

۱- بینا به عنوان اولین سفیرای مونث و مادر علوی

از آنجا که بحث محوری این مقاله اصل انوئیت و زنانگی است. بنابراین ابتدا به بینا به عنوان مادر علوی و سپس به شخینا به عنوان مادر سفلی به تفصیل می‌پردازیم. بینا همسر خوخما و مادر همه سفیراهاست و ویژگی‌های همه سفیراها را بالقوه در خود دارد (Scholem, 1991, p 131). در زهر ده سفیروت مذکور، در قالب پنج صورت اصلی اشاره می‌کند: کتر، خوخما، بینا، تیفرت، ملخوت؛ زیرا «تیفرت» یک توالی از «زئیرآنپین»

(Zeir Anpin = ZA) است که خود شامل شش سفیروت حسد، گوورا، تیفرت، نصح، هود و یسود است (Laitman, 2007, p 57).

در زُهر به پنج جهان هم اشاره می‌شود: آدام‌قدمون (Adam Kadmon)، اسیلوت (Atzilut)، بریا (Beria)، یصیرا (Yetzira) و آسیا (Assiya). هر کدام از سفیراها در هر جهان، کارکرد منحصر و مرتبط با همان جهان را دارند. اما از آنجایی که بینا سفیرای مورد بحث ماست؛ به نقش بینا در جهان‌های مختلف اشاره می‌کنیم. بینا در جهان آدام‌قدمون، ساگ (SAG) نامیده می‌شود. در جهان اسیلوت، بینا یا ایما (Ima) (مادر آسمانی یا علوی)؛ بسته به نوع کارکرد خود، آوی (AVI) نامیده می‌شود. نور بینا از لحاظ کیفیت با ویژگی‌های خالق همسان است، از این رو نور بینا می‌تواند در برابر نیروهای شر مقاومت کند (Idem, 2007, p 23). بیشترین کارکرد بینا در جهان اسیلوت است. بنابراین در جهان اسیلوت، چهار صورت الهی عبارتند از:

۱. کتر یا آریخ آپین (AA= Arich Anpin)، صورتی الهی است که در بستر خوخماست و به عنوان صورت مرکزی و اولیه در جهان اسیلوت است که همه صورت‌های دیگر از آن سرچشمه می‌گیرند.
۲. ابا (Aba= پدر) و ایما که به ترتیب خوخما و بینا هستند در اتحاد با یکدیگر صورت آوی را ایجاد می‌کنند.
۳. تیفرت که زا یا زئیرآپین (Zeir Anpin = ZA) است؛ فرزند خوخما و بیناست که خود شامل شش سفیرای حسد، گوورا، تیفرت، نصح، هود و یسود است.
۴. قسمت نوکوای (Nukva) ملخوت که صورتی است که از همه صورت‌های قبلی نور را دریافت می‌کند و ارواح موجودات و همه روح‌های انسانی؛ که به آن کنست یا مجمع اسرائیل می‌گویند؛ در آن است. قسمت نوکوای ملخوت یا «مأ» (MA = حد اسفل آسمان)، در اتحاد با زا، صورت الهی و جامع زون را ایجاد می‌کنند. ماهیت هفت روز آفرینش در صورت «زا» و «نوکوا» در جهان اسیلوت قرار دارد که از هفت دوره تشکیل شده است. در این جهان، همه خلقت از خوخما و بینا و زون ایجاد می‌شود. وقتی زون از ایما یا بینا متولد می‌شود به آن «الوهیم» (Elohim) اطلاق می‌شود (Idem, 2007, p 57).

در بینا همه اشکال موجودات وجود دارد اما این اشکال، در وحدت عقل الهی حفظ شده‌اند و هنوز متمایز نیستند (شولم، 2013، ص 389). درنگاه زُهر سرچشمه آفرینش بیناست و همه نعمات و برکات که در حقیقت بهجت و شور محض‌اند، از طریق بینا به عالم مادون ساری و جاری می‌شود. پس جریان حیات الهی از بینا آغاز، و در میان سفیراهای بعدی و حقایق نهان ساری می‌شود؛ تا سرانجام به دریای بزرگ شخینا (Shekhinah) می‌رسد. در شخینا خداوند به تمامه به ظهور و بروز می‌رسد. همچنین هفت سفیروت اول که از رحم مادری بینا بیرون می‌آیند، هفت روز اول آفرینش هم هستند (Scholem, 1946, p 253).

۱-۱- شئون مختلف بینای مادر

در جهان بینی زُهری ده سفیروت وجود دارد؛ با توجه به اینکه هر سه سفیروت کتر، خوخما و بینا شامل بقیه سفیراها هم هستند، علاوه بر اینکه سفیراها با یکدیگر اتحاد و زوجیت دارند؛ هر سفیرا، شامل ویژگی‌های بقیه سفیراهاست و شامل بخش‌هایی از آن‌ها می‌شود. بنابراین، هر سفیرا شامل کتر، خوخما، بینا، زا و ملخوت هم می‌شود.



نمودار شماره ۳- رابطه پنج سفیرای اصلی

۱-۲- پارادوکس بینای نورگریز و نوربخش!

خاصیت بینا مکنون بودن آن است، یعنی میل دارد نور خوخما را دریافت نکند و نورگریز باشد. زیرا مکنون بودن را می‌پسندد. بینای مادر دو بخش دارد: بخش بالایی که گار

(GAR) یا آوی است که بخش اعلاى بیناست که تمایلی به دریافت ندارد و بخش پایینی که زات (ZAT) نام دارد و هفت سفیرای حسد، گوروا، تیغرت، نصح، هود، یسود و ملخوت در آن است. بخشِ گارِ بینا بخاطر میل خالق، نور خوخما را به زا و ملخوت که به دریافت آن میل دارند، بدون تجاوز و دریافت نور؛ یا کاستن از آن می‌رساند (Laitman, 2007, p 46).

از آنجا که هدف آفرینش دریافت نور خوخماست، بینا بخشی به نام زات را درون خود دارد که نور خوخما را دریافت می‌کند و آن را به زون می‌رساند. بنابراین بخش اصلی بینا، گار و بخشی از بینا که نور خوخما را دریافت می‌کند زات نامیده می‌شود. قسمت بالایی بینا یا همان گار (آوی) به هیچ وجه از کمبود نور خوخما رنج نمی‌برد، و هیچ تمایلی به خوخما ندارد. با این وجود زات از صورت بینا می‌خواهد نور خوخما را به خاطر زون دریافت کند، مانند مادری که می‌خواهد برای فرزندانش، نور را دریافت کند. پس، از حیطة آریخ‌آپین که در محدوده‌اش امکان دریافت نور را ندارد، خارج می‌شود و به ساحت آوی وارد می‌شود. البته تنها نور دو ساحت از روح، یعنی روآح (Ruach) و نفش (Nefesh) را دریافت می‌کند. این بخش از بینا یشوت (Yeshsut) نامیده می‌شود (Idem, 2007, p 74). گار تمایل دارد که فقط نور را انتقال بدهد و در هر جایی احساس کمال می‌کند.

از نظر نگارنده، می‌توان گفت بینا به عنوان مادرِ علوی اگرچه مونث است. اما بیشترین کارکرد کیهانی را دارد و کارکرد آن از اصل مردانه پررنگ‌تر است؛ و در فرایند آفرینش و ایجاد سفیراها نقش اساسی دارد. همچنین به عنوان مادر سفیراها نور ساطع شده از آن‌سوف را در سفیراهای بعدی به قدر میل و ظرفیتشان پخش می‌کند.

۱-۳- انسانِ علوی عامل صعود زون

وقتی انسان دعا می‌کند این دعا باعث تمایل خالق به این می‌شود که نور خوخما را به سوی بینا رهنمون سازد، و این حدوث سبب تعالی انسان می‌شود. از نظر زهر این درخواست تنها در یشوت وجود دارد، به این معنی که انسان در مادون، آن را از زون دریافت می‌کند. قسمت زات از بینا منتظر پاسخ به همان خواسته‌ها برای دریافت نور

حوخماست که به آن «می» (MI = حد اعلاى آسمان) گفته می‌شود. زا و زات را گنبد آسمان یا فلک، و در برابر آن ملخوت را زمین می‌نامند (Idem, 2007, p 76). زون با نور «حسیدیم» (Hassidim) یا عشق، خالص می‌شود و تمایلی به دریافت نور خوخما ندارد تنها در صورتی که از پایین، از طرف بشر، درخواستی مطرح شود؛ زون به سمت یشوت صعود خواهد کرد و از او می‌خواهد که نور خوخما را درخواست کند (Idem, 2007, p 77). یشوت درخواست انسان را تا آوی برای ایجاد نور بالا می‌برد تا یک اتحاد بین ابا و ایما یعنی همان خوخما و بینا ایجاد شود. سپس بینا برای زون، نور خوخما را دریافت می‌کند. انسان علوی کسی است که می‌تواند درخواست خود را متعالی سازد تا زون مجبور شود به یشوت صعود کند (Idem, 2007, p 61).

۱-۴- نوکوا و تکامل ظهورش در کنست اسرائیل

زهر برای نوکوا دو جنبه متصور است: یکی صورتی که از بینا ظهور می‌کند (Idem, 2007, p 61). این صورت یک نیروی ایستادگی ذاتی، در برابر امیال خود دارد و هیچ چیزی را برای خودش دریافت نمی‌کند. خالی می‌شود تا بوسیله نور حسیدیم و خوخما، از امیال و خواسته‌های ده سفیروت پر شود و هیچ نوری را در خود نگه نمی‌دارد و به تمامه به همه سفیراها ساطع می‌کند، این تعیین اول و بزرگ را «گادوت» می‌گویند. این تعیین سبب حصول نور «نشاما» (Neshama) می‌شود. گادوت دوم، نور «حیا» را حاصل می‌کند. این تعیین دوم یک حالت کوچک به نام «کاتنات» (Katnut) هم دارد که با نور «نفش» پُر می‌شود. هم‌زمان که ترکیبی از نور نشاما، رواج، نفش و حیا بوجود می‌آید، قسمت «می» در بینا با «اله» (ELEH) پیوند می‌خورد و الوهیم تشکیل می‌شود که به آن گادوت هم می‌گویند. ملخوت زمانی که نور نشاما را دریافت می‌کند، به اولین حالت بزرگ یا گادوت می‌رسد.

حاخام حزقیال از عرفای بزرگ یهود، پس از بیان تولد زون از ایما (بینا) به وسیله اسم الوهیم؛ نوکوا از جهان اصیلوت (زا) را در نهایت تکامل و اتمام در ظهور و نمو خودش، «کنست» (Knesset Israel) یا «مجمع اسرائیل» می‌نامد. زیرا نوکوا شامل همه کسانی است که اسرائیل نامیده می‌شوند (Laitman, 2007, p 57).

۱-۵- ملخوت دختر آراسته بینا

وقتی بینا یا مادر، دخترش ملخوت را با ویژگی‌های خودش می‌آراید که؛ جوهر مردانه را در مقابل خود ببیند. به بیانی دیگر ملخوت ظرف و حجابیست برای دریافت نوری که زینت مادرش است. ملخوت، مانند بینا اسم «می» را می‌پذیرد و سپس خود را با لباس بینا می‌آراید تا همه شوهران اسرائیل را بپذیرد. این مورد تنها جایی است که ملخوت شعبه‌ای از نور بینا را می‌پذیرد (Idem, 2007, p 105).

از نظر نگارنده این مقاله بینا در واقع مادرِ در گُمون است و از ویژگی‌های آن می‌توان گفت که مایل است در گُمون بماند. اما وقتی خالق میل به بروز پیدا می‌کند؛ بینا نور درونی خوخما را دریافت می‌کند تا سفیرهای بعدی و مخلوقات ایجاد شوند. همچنین عالم خلق در واقع توسط بینا و بواسطه ملخوت ایجاد می‌شود. بینا با نوری که به ملخوت می‌دهد قدرت ایجاد کائنات را به او می‌دهد.

۱-۶- زُهر و مراتب روحی و نوری

زُهر بحثی را هم درباره مراتب روحی و نوری بیان می‌کند. اگر بخواهیم درباره مراتب نوری یهیدا (Yechida)، حیا (Haya)، نشاما (Neshama)، رواح (Ruach) و نفش (Nefesh) که از آن سوف در ظرف سفیرها ریخته می‌شود حرف بزنیم باید گفت که زُهر اولین مرتبه نوری که در سفیرها مطرح می‌کند مرتبه رواح در کتر و سپس مرتبه نفش در خوخماست که این نور نفش بوسیله پیوند خوخما با بینا و بواسطه بینا در ظرف سفیرهای مادون تا ملخوت ریخته می‌شود و زُهر همه مراتب نوری و روحی یهیدا، حیا و نشاما را مربوط به ساحات ماقبل سفیرها می‌داند (Idem, 2007, p 52). اما آن چه می‌توان به آن اشاره کرد این است که در برخی منابع قبلاهی مراتب نوری روح را اینطور بیان می‌کنند؛ مرتبه نوری یهیدا مربوط به کتر و مرتبه حیا در صورت الهی خوخما و مرتبه نشاما در ساحات بیناست، و سپس مابقی سفیرها که در مرتبه زا هستند نور رواح را دریافت می‌کنند البته نور نفش فقط مختص ملخوت است (Wineman, 1997, pp 160-165) و در جوداییکا نیز یهیدا را وحدت در بی نهایت مطلق می‌داند و به آدم اولیه یا آدام قدمون برمی‌گرداند (Jones, 2005, p 3509).

۲- شخینا (ملخوت) دومین تجلی مونث ان سوف

اکنون که درباره‌ی جایگاه بینا به عنوان مادر علوی و مادر همه سفیراها به تفصیل بحث کردیم، به دومین اصل مونث در ساختار سفیروتی و نظام عرفانی قبلا که «شخینا»ست می‌پردازیم. شخینا که آخرین تجلی ان سوف است در واقع مجرای برای انتقال نور وجود از ان سوف به عالم مادون و ماده است. واژه شخینا از کلمه شخِن به معنای چادر زدن و سکونت داشتن گرفته شده که اولین بار در متون حاخامی بیان شده‌است (Umansky, 1986, p 236).

شخینا ظهور و ادراک اشتیاق خالق است و ملخوت در حالیکه دریافت‌کننده نور خالق است؛ شخینا نامیده می‌شود. شور و عشق ادراک خالق جایست که فرد، خالق را در آن تجربه می‌کند که همان ظهور شخینا است (Laitman, 2007, p 26). به بیان دیگر می‌توان گفت ملخوت وقتی در وجه نوک‌وای خود و در بستر و مرتبه‌ی زاشکار می‌شود، شخینا نامیده می‌شود به همین دلیل است که انسان، چه از شخینا دور باشد و چه به آن نزدیک باشد؛ حتی هر جا تبعید شود؛ شخینا با او خواهد بود و در میان انسانها ساکن می‌شود.

ملخوت را می‌توان به اعتباری به دو جنبه تقسیم کرد:

۱. نوکوا یا شخینا که قسمت زنانه و فعال است.

۲. قسمت شِخِن (shekhen) یا مردانه که قسمت ساکن و غیر فعال است.

ظهور و تجلی خالق چه در شِخِن از شخینا و چه از زا در ملخوت، در جهان اصیلوت رخ می‌دهد. اما وقتی امکان‌پذیر است؛ که زون در گادوت متحد شود. نور این اتحاد اینقدر عظیم است که این اتحاد را در بعیدترین و در کمون‌ترین شئون؛ و در متناقض‌ترین امیال آشکار می‌کند. با این حال، ایجاد گادوت از جهان زون به تدریج رخ می‌دهد: اول، یک صورت از زون در کاتنات با نور «واک» (VAK = نور شش سفیرای حسد، گورا، تیفرت، نصح، هود و یسود) ایجاد می‌شود، و پس از آن رشد می‌کند تا به گادوت برسد. این فرآیند در هر حالت از زون رخ می‌دهد. حتی با وجود این که زون در گادوت یک اتحاد می‌سازد و نور خوخما را دریافت می‌کند؛ نور از حالت قبلی خود، یعنی از کاتنات یا انقباض کوچک ناپدید نمی‌شود، بلکه یک اتحاد و اتصال در گادوت را تسهیل می‌کند. در واقع اول یک

صورت کوچک یا کاتنات در صورت زون با نور شش سفیرا ایجاد می‌شود؛ و پس از آن به گادوت یا صورت بزرگ می‌رسد و این نور کاتنات را «بال‌های شخینا» می‌نامند (Manhar, 2017, p 79).

۲-۱- تعالی بواسطه شه پدران

اتفاق تعالی از دنیای ریشه‌ها، از طریق انسان متعالی یا انسان کامل مانند ابراهیم و اسحاق و یعقوب که تجلی اسماء خاص آن‌سوف هستند، با ایجاد اتحاد بزرگ از زون رخ می‌دهد؛ جایی که بالهای شخینا، نور اتحاد را پوشش می‌دهند و از آن نور حفاظت می‌کنند و اجازه نمی‌دهند که نیروهای ناپاک (یامیال نفسانی) از آن نور عبور کنند، حتی اگر خیلی به آن نزدیک باشد. نکته مهم آن است که روح همراه با امیال نفسانی تنها در طول اتحاد بزرگ می‌تواند اصلاح و روحانی شود. زیرا تنها در آن صورت است که نور توسط بال‌هایی از شخینا محافظت شده است. از این رو، میل جمعی بشر، نخست باید خود را برای اتحاد بزرگ تعالی دهد، تا نور امیال خالص خود را در روح خود دریافت کند. سپس، شخینا بال‌های حمایتش را باز می‌کند، و از این اتحاد محافظت می‌کند، و روح را دربر می‌گیرد (Laitman, 2007, pp 421-422).

از نظر نگارنده؛ از وجهی میتوان گفت؛ مقصود زهر از نیروهای ناپاک همان آتون‌ها هستند که مانع صعود به ملاً اعلی یا پلروما می‌شوند که در عرفان گنوسی مفصلاً در این رابطه بحث می‌شود.

۲-۲- قوم اسرائیل، پسر محبوب ملخوت

روح همه کسانی که از اسرائیل نیستند برای کمال باید این مراحل را طی کنند تا نهایتاً در حصار و حمایت شخینا سعادتمند شوند، اما روح اسرائیل از زا ریشه می‌گیرد و ارواح از آنجا به ملخوت پرواز می‌کنند. بنابراین، اسرائیل پسر محبوب ملخوت است و توسط رحم ملخوت حفظ می‌شود و نه توسط بال‌هایی که در خارج از صورت ملخوت هستند. جایگاه ارواح آنان که از قوم اسرائیل نیستند حتی اگر پرهیزکار هم باشند؛ در بیرون از صورت

ملخوت، و در بالهای بیرونی شخیناست؛ نه به سمت درون شخینا که جایگاه قوم اسرائیل است (Idem, 2007, p 424).

۲-۳- نوکوا سرزمین حیات

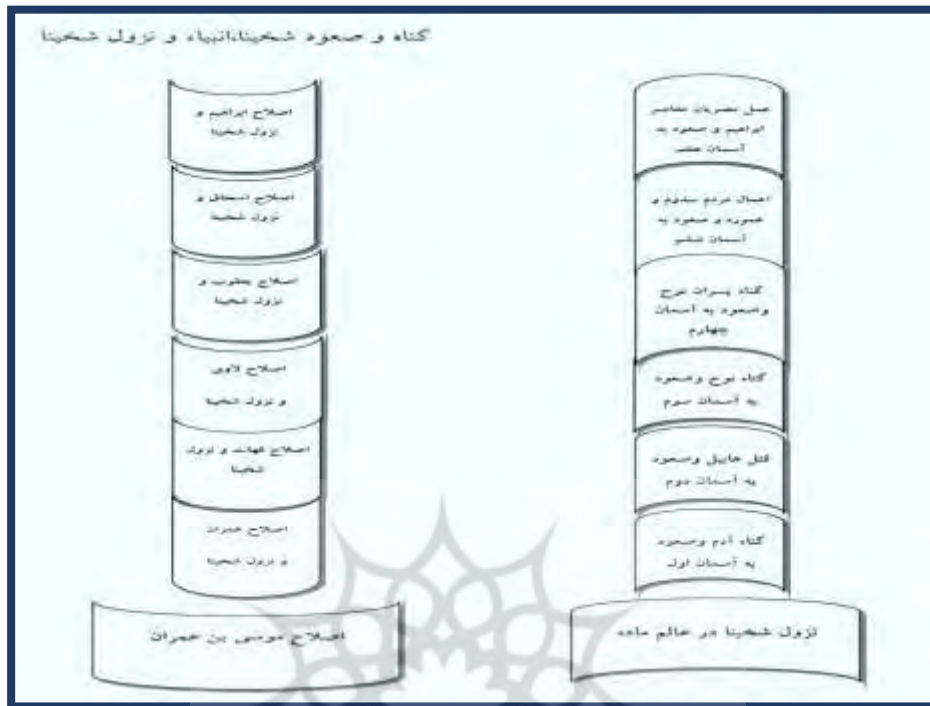
از زا به عنوان درخت حیات یاد می‌شود و نوکوا سرزمین حیات نام دارد. سرزمین حیات حالتی از گادوت است. و گفته می‌شود که روح اسرائیل از بدنه آن درخت که در واقع خودِ زا است؛ ریشه می‌گیرد. در واقع منظور از درخت، زا و منظور از زمین، ملخوت است (Idem, 2007, p 424). وقتی اتحادی بین درخت (زا) و زمین (ملخوت) ایجاد می‌شود، زا روح اسرائیل را به نوکوا ملخوت می‌دهد (Idem, 2007, p 424). ارواح اسرائیل از درونی‌ترین صورت، یعنی گادوتِ نوکوا نور را دریافت می‌کنند، بنابراین طبق گفته زُهر، اسرائیل پسر محبوب خداست. زیرا این نور از بخش درونی ملخوت سرچشمه می‌گیرد نه از بخش بیرونی آن که بال‌های شخیناست. همچنین به (نصح، هود، یسود) از ساحتِ ملخوت "رحم" گفته می‌شود، که درونی‌ترین صورت در گادوت؛ یا رحمِ ملخوت است. زیرا آنجا جایی است که روح اسرائیل باردار شده و رشد می‌کند (Idem, 2007, p 425). برخی تیفرت را همسر شخینا می‌دانند. و بیان می‌کنند که از آنجایی که عشق باعث پیوند شخینا با تیفرت می‌شود؛ شخینا دختر بینا و همسر تیفرت است و ازدواج این دو باعث به وجود آمدن ارواح آدمی می‌شود و شخینا نگه‌دارنده دنیای مادی است (شولم، ۲۰۱۸، ص ۱۵). این پیوند مقدس پادشاه و ملکه، یعنی داماد و عروس آسمانی، واقعیت محوری در کل زنجیره جلوه‌های الهی در عالم باطن است. در ساحت الوهیت اتحاد و پیوند میان اصل فعال و اصل منفعل، عامل تولید مثل می‌شود، که تمام حیات و برکت دنیوی از آن نشأت می‌گیرد (شولم، ۲۰۱۳، ص ۴۰۱). هدف این است که بین ان سوف و شخینا در ساحات وجود، وحدت ایجاد شود. و عدم اتحاد این دو باعث توقف جریان وجود از عالم والا به مادون می‌شود (Laitman, 2007, p 413).

۲-۴- گناه، تبعید شخینا و بازگشت آن با عمل به تورات

گناه، رابطه مستقیم میان انسان و خداوند را از بین برده و به نحوی بر خلقت خداوند تأثیر گذاشته است. به نقل از جوزف گیکاتیل: «در آغاز خلقت، هسته شخینا در عوالم پایین‌تر بود. و چون شخینا در مادون بود، آسمان و زمین یکی بود و یک هماهنگی کامل وجود داشت. جوهرها و مجراهایی که از میان آن‌ها همه چیز از مرتبه‌های عالی به طرف پایین جریان می‌یافت هنوز فعال، کامل و بلامانع بودند و خداوند همه چیز را از بالا تا پایین پر می‌کرد. ولی وقتی آدم آمد و گناه کرد، نظم امور به بی‌نظمی گرایید و مجراهای آسمانی درهم شکستند.»

شولم می‌گوید: «عرفا عمیقاً به مسئله گناه و به ویژه ماهیت و معنای هبوط آدم توجه داشتند و این مسئله در ادبیات قبالی به وفور مورد بحث قرار گرفته است. در حالی که قبالی‌های گرونا با این موضوع به تفصیل سر و کار دارند. همچنین به نظر می‌رسد برخی از طرفداران موسی دو لئون گرایشی به آن دارند، قسمت‌هایی که به مسئله گناه اولیه اشاره دارند در زهر و به خصوص در قسمت‌های اصلی آن اندک است.» (Scholem, 1946, pp 264-265).

گناه آدمی باعث تبعید و دوری او از تیفرت شد (شولم، ۲۰۱۸، ص ۱۵). و برای اینکه شخینا از تبعید خارج شود باید شخینا به وحدت و هماهنگی ازلی بازگردد (Schiffman, 2005, p 9378). که این هم فقط با عمل توبه دست می‌آید و دوباره هر چیزی به جایگاهی که در ابتدا در نظام الهی اشیا داشت باز می‌گردد. در حالت جدایی و از هم گسیختگی عالم این شکاف که مانع اتحاد پیوسته خدا و شخینا است تا حدودی با عمل دینی بنی اسرائیل، یعنی عمل به تورات، میسوا و نیایش التیام و بهبود می‌یابد. برچیدن گناه و بازگشت نظم و هماهنگی وظیفه آدمی در این جهان است (شولم، ۲۰۱۳، ص ۴۱۰). بنابراین از نظر نگارنده، اصل انوئیت در قباله و عرفان یهودی، جنبه آفاقی و انفسی دارد و آن چنان حائز اهمیت است که یهودیان با انجام فرائض و میسواها و خواندن تورات، سعی در بازگشت شخینا به موطن اصلی خود که آن سوف است دارند، تا هماهنگی و توازن به عالم باز گردد.



تصویر شماره ۴- شخینا و صعود و نزول

به عقیده عارفان یهودی فرایند ییحود یا تجدید وحدت از دست رفته، فرآیندی مستمر است که از طریق اتصال با خداوند و کمال اخلاقی و روحانی به انجام می‌رسد و جامعه اسرائیل که قوم برگزیده است می‌تواند این وحدت را باز گرداند. در نگاه عرفای یهودی، شخینا جامعه اسرائیل را به حال خود رها نساخته است و در تبعید هم عشق و عطوفت خود را به آنان ارزانی می‌دارد. و با ظهور مسیح هنگامی که اسرائیل بار دیگر در ارض مقدس توانایی خود را بازیابد و معبد، در مکان مقدس قبلی دوباره پا بگیرد. شخینا قدرت قبلی خود را به دست می‌آورد و با خداوند پیوند می‌خورد و همه اشیاء و موجودات به جایی که در طرح آغازین خلقت الهی داشتند بازگردانده خواهند شد. سپس کمال، در بالا و پایین سیطره می‌یابد و همه جهان در پیوندی واحد، متحد خواهد شد (اپستاین، ۲۰۱۴، ص ۲۸۹).

مورد دیگری که حائز اهمیت است این است که نیروهای شر به دنبال سلطه بر شخینا هستند. یهودیان می‌توانند با رعایت قوانین و توصیه‌های تورات به مهار کردن سیترا احرا (جهان شر) کمک برسانند و توازن را در عالم حفظ کنند. نیروهای شر یا سیترا احرا، سمائل (مذکر) و ملکه‌اش لیلیت (مونث) هستند. گناهان اسرائیل نه تنها زندگی و نشاط به سیترا احرا می‌بخشد، بلکه برای سمائل نیز که جنبه مذکر امور خبیثه است؛ امکان تسلط یافتن بر شخینا را که جنبه مونث سفیراهای پاکی و قداست است؛ فراهم می‌آورد (آنترمن، ۲۰۰۵، ص ۱۶۱). آنگاه که چنین شد شخینا از شوهر حقیقی خود تیفرت که جنبه مذکر سفیراهاست جدا می‌افتد، و نمی‌تواند مانند رحمی که از طریق آن قدرت الاهی به سوی زمین سرازیر می‌شد، عمل کند. در نتیجه رنج و مصیبت برای آدمیان و برای جهان به دنبال خواهد آمد. از دیدگاه زهر رعایت میصواها از جانب یهودیان و پرهیز آنان از گناه، نتایج بزرگی برای عالم آدمیان و عوالم الاهی در بردارد (آنترمن، ۲۰۰۵، ص ۱۶۱). بازگشت شخینا به اصلش و متحد ساختن او با خداوند، به نحوی هدف واقعی تورات است. این عملکرد عرفانی انسان است که به آن شأن و منزلت ویژه‌ای می‌بخشد. اجرای هر یک از فرامین تورات برای متحد کردن انسان با شخیناست (Scholem, 1946, p 311). وظیفه اصلی پیروان زهر تسهیل در پیوند دوباره زن و شوهر الاهی یا تیفرت و شخیناست. براین اساس، این عارفان هستند که از طریق مطالعه تورات و اجرای احکام، باید زوج الاهی را برای اتحاد جنسی آماده کنند (Wolski, 2010, p 40).

۲-۵- شخینا و جامعه مقدس

شخینا بر پایه سنت‌هایی در عهد قدیم بنا شده است که به عنوان شخصی که در میان اسرائیل زندگی می‌کند و با فرزندان اسرائیل همراه است، مطرح می‌شود و در جایی تجسم شخینا بیان می‌کند: بگذارید مرا به مانند پناهگاهی درآورند که بتوانم در میان آن‌ها اقامت گزینم. شماها زمین را آلوده نکنید در حالی که باید در آن ساکن شوید در جایی که من ساکنم و من در میان بچه‌های اسرائیل سکونت دارم و من در میان شما راه خواهم رفت و خدای شما خواهم شد و شما ملت من خواهید بود (Abelson, 1913, p 86).

برخی عارفان یهودی شخینا را با قوم اسرائیل یکی می‌دانند. شخینا نه تنها ملکه، دختر و عروس خداست، بلکه مادر هر فرد اسرائیلی نیز هست او راحیل واقعی است که برای فرزندانش اشک می‌ریزد. در تفسیری از عارفان قبالای متأخر بر یک عبارت زهر همان شخینایی که در تبعید خود اشک می‌ریزد، زن زیبایی می‌شود که دیگر چشم ندارد و بر اهل مکاشفه در میان عارفان قبالا ظاهر می‌شود. افرادی چون ابراهیم هلوی شاگرد لوریا در سال ۱۵۷۱ او را در کنار دیوار ندبه در اورشلیم، همچون زنی دید که سیاه پوشیده بود و برای همسر دوران جوانی خود اشک می‌ریخت. شخینا به عنوان نماد زنانه جاویدان ظاهر می‌شود (شولم، ۲۰۱۳، ص ۴۰۶). از طرفی در زهر آمده است که شخینا روح کلی جامعه اسرائیل است و تمام آنچه که در شخینا وجود دارد در هر روح اسرائیلی وجود دارد و بالعکس، و تمام نسل های اسرائیل در روح مشترک شخینا جای گرفته‌اند (Laitman, 2007, p 368).

از نظر نگارنده، شخینا روح عارف قبالی را به دوقوت متصل میکند و به ارواح متعالی، امکان صعود به مقامات بالاتر عرفانی را می‌دهد. بطور کلی از جنبه ای می‌توان گفت بینا نهان‌ترین تجلی مونث الهی و شخینا ظاهرترین تجلی مؤنث است که هم حجاب الوهیت و هم شعاع های نوری ساطع شده، از او هستند.

ارتباط دو عنصر زنانه بینا و شخینا با جهان های چهار گانه

در سیر نظری مکتب قبالا، برای اولین بار آموزه عوالم چهارگانه که بوسیله آنها امر نامتناهی در امر متناهی پدیدار می‌شود مطرح شده است این عوالم عبارتند از: عالم فیض و صدور (Atzilut)، عالم خلق و آفرینش (Beria)، عالم شکل‌گیری (Yetzira)، عالم فعل و عمل (Assiya) (Scholem, 1974, p 73). اما اگر بخواهیم دو عنصر زنانه بینا و شخینا را در این عوالم بیان کنیم می‌توانیم به نکات زیر اشاره کنیم:

۱- جهان اصلوت نمونه اولیه یا الگوی الهی اتحاد خدا با شخیناست و در برگیرنده سه سفیروت کتر، بینای مادر و حوخما است و روح نشاما در آن جریان دارد. در جایی آمده است ریشه نشاما در چارچوب الهی است که از منبعی در زیر عرش جلال الهی کشیده شده است. در قصر پنجم الهی نشاما منتظر است تا با شخینا متحد شوند و به

جهان فرود آیند. نشاما جاری شده از درون والاترین نمود الوهیت از میان سفیرای
بینا (مونث) به سفیرای یسود (قلمرو جنسی و مذکر) در درون قلمرو یسود است (
(Giller, 2011, p 36).

۲- جهان بریا که ارا به پادشاهی یا بالاترین وجه فرشتگان است و سه سفیروت حسد،
گوورا و تیفت که همسر شخیناست؛ در آن قرار دارند و مرتبه رواج در آن است.

۳- جهان یصیرا که متاترون در آن است و سه سفیروت نصح، یسود و هود در آن قرار
دارد و جایگاه نِفش است.

۴- جهان آسیا که شخینای تبعید شده در این جهان است. شخینای تبعید شده در
میان انسان ها و ارواح شروری که همواره بر سر روح انسانها با هم نزاع دارند به سر
می‌برد (Wexelman, 2001, p 140). می‌توان گفت غلبه کامل اصل زنانگی در
قرون وسطی در این جهان بوده است.

شخینا در جهان آسیا که همان جهان شکل گیری است زندگی می‌کند. هر شخینا در
تبعیدگاه میان مردان و روح های شروری است که با زوج هایشان زندگی می‌کنند. ده
سفیروت هر کدام در این جهان ما نمایان می‌شوند و در جهان چهارم، کمیت و ماهیتشان
نزول می‌یابد. سفیروت شکل نهایشان را در جهان چهارم که متعلق به شخیناست به
دست می‌آورند (Ponce, 1974, p 67). بنابراین می‌توان گفت عالم بجز با تکمله اصل انوئیت
که همان ملخوت و شخیناست تکامل نمی‌یابد.



تصویر شماره ۵- جهان های چندگانه

۳- نتیجه

در مقاله فوق درباره دو اصل زنانه بینا به عنوان مادر علوی؛ و شخینا یا ملخوت به عنوان دختر، مفصلاً بحث کردیم. بینا دو ویژگی منحصر به فرد دارد: اینکه بازگشت مخلوقات به سوی ان سوف، توسط بینا انجام می‌شود و دوم بینا هیچ تعینی را نمی‌پذیرد و فقط به خواست ان سوف، نور خوخما را دریافت می‌کند؛ تا کائنات ایجاد شوند. اصل مونث دوم ملخوت یا شخیناست که دو وجه دارد، وقتی درباره جنبه الوهی و ساحات سفیروتی بحث می‌کنیم؛ به نام ملخوت آن را می‌شناسیم. ولی وقتی در حیطة تجلی و حضور خداوند در

دنیای مادی حرف می‌زنیم آن را با شخینا بیان می‌کنیم. ملخوت چند ویژگی دارد، از جمله اینکه با نور خوخمایی که به واسطهٔ بینا دریافت می‌کند؛ اجازهٔ تولید نسل می‌یابد؛ و دیگر اینکه تنها سفیراییست که ارادهٔ دریافت نور لذت و عشق را داراست؛ و روی به سوی کثرات دارد. به همین دلیل ملخوت دارای حد و تعیین است. اما شخینا جنبه کنشگر ملخوت است. شخینا در غالب متون عرفانی یهودی، یک عنصر مونث فعال است و در قباله وظیفه دارد؛ فیوضات الهی را از عالم والا گرفته و به عالم مادون بدهد و به عنوان آخرین سفیرا، روح عارف قبالی را به دوقوت متصل می‌کند.

مشارکت نویسندگان

نگارش مقاله توسط شیما فتورچیان انجام شده است و جناب آقای دکتر ابوالفضل محمودی به عنوان نویسندهٔ مسئول؛ در امر اصلاح و بازبینی علمی و ادبی، نظارت کرده‌اند. و جناب آقای دکتر مسعود احمدی‌افزادی در تبیین جداول و اصلاح علمی آنها همکاری داشته‌اند.

تشکر و قدردانی

این پژوهش مستخرج از رسالهٔ دکتری شیما فتورچیان است و از این جهت از دانشگاه نجف آباد به عنوان حامی معنوی قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

منابع و مآخذ

- Anterman, A, *Jewish Beliefs and Religions*, Reza Farzin, Qom, Religions and Sects, (2005), Persian
- Abelson, J, *Jewish mysticism*, G. Bell and Sons, London, Cambridge University, (1913)
- Epstein, I, *Judaism-Historical Study*, Behzad Saleki, Tehran, Research Institute of Iranian Wisdom and Philosophy, (2014), Persian
- Fortune, D, *The Mystical Qabalah*, Second edition, London, Weiser Books, (2000)

- Fuller, J.F.C, *the secret wisdom of the Qabbalah*, A study in Jewish Mystical thought, USA, Spatially independent, (1976)
- Giller, P, *Reading the Zohar*, The Sacrad Text of the Kabbalah, London, Oxford scholarship, (2011)
- Laitman, M, *Basic Concepts in Kabbalah*, Israel, Lightman Kabbalah, (2006)
- , *The Zohar*, Canada, Lightman Kabbalah, (2007)
- Macrae, G. W, "Gnosticism", in: *New Catholie Encyclopedia*, New York, Catholic University of America, vol 6, (1967)
- Manhar, N, *The sepher ha Zohar or the book of light*, Ohio, Pinnacle Press, (2017)
- Ponce, Ch, *Kabbalah*, Publisher Quest Books, The Garnstone Press LTD, (1974)
- Schifman, L, *Encyclopedia of Religion Judaica*, editor Jones Lindsay, 2nd ed Thomson Gale, USA, Macmillan Reference, Vol14, (2005)
- Scholem, G, *Main Jewish tendencies and schools*, Alireza Fahim, Qom, Religions and sects, (2013), Persian
- , *Major trends in Jewish mysticism*, New York, Schochen Book Inc, (1946)
- , *On the Kabbalah and its Symbolism*, New York, Schocken Books, (1974)
- , *Origins of The Kabbalah*, Allan Arkush, New Jersey, Princeton Weekly, (2019)
- , *Zohar of the book of Lighting*, Homa Shahram Bakht, Tehran, Scientific and Cultural, (2018), Persian
- Sholamit, E, *Kabbalah of Prayer*, USA, Lindisfarne books, (2004)
- Umansky, E. M, « shekhnah», *The Encyclopedia of Religion*, Miycea Eliade, New York, Macmillan, Vol 13, (1986)
- Wexelman, D, *Kabbalah: The Splendor of Judaism*, USA, Jason Aronson, (2001)
- Wineman, R. A, *Mystic Tales from the Zohar*, Notes and Commentary, Ohio, Jewish Publicaton Society, (1997)
- Wolski, N, *A Journey into the Zohar*, USA, State University of New York Press, (2010)

مشخصات نویسندگان



شیما فتورچیان دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد اصفهان در رشته ادیان و عرفان است. وی اکنون در حال تکمیل رساله دکتری با عنوان بررسی اصل زنانگی در هستی‌شناسی عرفان اسلامی و عرفان یهودی با تأکید بر فتوحات و زُهر است. ایشان علاوه بر آشنایی با زبان عبری، دانش آموخته کارشناسی ارشد عرفان تطبیقی از دانشگاه شهید بهشتی تهران در سال ۱۳۹۲ با موضوع پایان نامه مقام ادب در عرفان اسلامی

نیز هست. همچنین دارای مدرک بین‌المللی حفظ قرآن کریم نیز هستند.

Fotourchian, Sh, PhD Student in Religions and Comparative Mysticism, Faculty of Law, Theology and Islamic Studies, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

✉ fotourchian@gmail.com



ابوالفضل محمودی استاد گروه ادیان و عرفان دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات هستند. ایشان کارشناسی ارشد خود را در رشته فلسفه اسلامی از دانشگاه تربیت مدرس قم گرفته‌اند و دانش آموخته دکتری ادیان و عرفان تطبیقی از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران هستند. ایشان اساتید گرانقدری از جمله دکتر فتح‌اله مجتبابی و دکتر اعوانی داشته‌اند و کتب

مختلفی در حوزه ادیان و عرفان تألیف کرده‌اند از جمله: مشرق در دو افق، جستارهایی در کلام جدید، ادیان هند، تجربه دینی بشر، سیر تحول عرفان هندی، پیوندهای فرهنگی ایران و هند، فلسفه و کلام اسلامی، سه سنت فلسفی.

Mahmoudi, A, Profesor of Religions and Comparative Mysticism, Faculty of Law, Theology and Political Science, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

✉ a-mahmoudi@srbiau.ac.ir



مسعود احمدی افزادی استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال هستند. ایشان کارشناسی خود را در رشته فقه و حقوق در دانشگاه ف ردوسی مشهد گذرانده اند و دانش آموخته کارشناسی ارشد و دکتری ادیان و عرفان تطبیقی از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران هستند. همچنین اساتید برجسته‌ای از جمله دکتر ژاله آموزگار، دکتر غلامحسین ابراهیمی

دینانی، دکتر نجم آبادی و ... داشته‌اند. همچنین ایشان از محققین دانشگاه هایدلبرگ آلمان هستند. از جمله کتاب‌های در دست چاپ ایشان، انبیاء مشترک در زُهر و فصوص *الحکم*، بررسی تاریخی تحلیلی عرفان اسلامی در هجده بیت اول مثنوی است.

Ahmadi Afzadi, M, Assistant Professor of Religions and Comparative Mysticism, Faculty of Theology and Islamic Studies, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

✉ masoodahmadiafzadi@gmail.com



محسن فهیم استادیار گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد است. ایشان کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را در رشته فلسفه و کلام اسلامی از دانشگاه امام صادق دریافت کرده اند و دانش آموخته دکتری همین رشته از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران هستند. ایشان مؤلف کتاب معناداری گزاره های دینی (نقد و بررسی ملاک تحقیق پذیری) هستند و مقالات متعددی چاپ کرده‌اند.

Fahim, M, Assistant Professor of Theology and Islamic Studies, Faculty of Law, Theology and Islamic Studies, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

✉ fahimmohsen54@gmail.com

How to cite this paper:

Shima Fotourchian, Abolfazl Mahmoodi, Masood Ahmadi Afzadi, Mohsen Fahim (2023). Femininity Principle in Ontology of Jewish Mysticism according to the Zohar . *Journal of Ontological Researches*, 12 (23), 27-56. Persian.

DOR: 20.1001.1.23453761.1402.12.23.2.0

DOI: 10.22061/orj.2023.1919

URL: https://orj.sru.ac.ir/article_1919.html



Copyrights for this article are retained by the author(s) with publishing rights granted to SRU Press. The content of this article is subject to the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC-BY-NC 4.0) License. For more information, please visit <https://www.creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode>.

